

صفحه اصلی
آرشیو
نویسندگان
گالری تصاویر
پیوندها

همکاری با مجله
عضویت در فصل نو
درباره ما
ارتباط با ما
نقشه سایت



محسن مباحی

جستجو

یکشنبه، ۱۲ خرداد ۱۳۸۷ - سال دوم - شماره 50 - 17 صفحه
واقعیتی به نام امیدواری اجتماعی

« مطلب قبل

شنبه، ۱۶ مهر ۱۳۸۴

مقام "زن" در شاهنامه فردوسی

[محسن مباحی]

« مطلب بعد »

مشخصات مطلب :

تاریخ انتشار: شنبه، ۱۶ مهر ۱۳۸۴
موضوع مرتبط: مقالات
تعداد بازدید: 8946
نسخه قابل چاپ
نسخه قابل ذخیره
ارسال به یاهو مسنجر
ارسال به دیگران

اخبار
اساتید
همایش ها
نماینده‌گی ها
دبیران صفحات

عضویت در فصل نو

به خانواده علوم اجتماعی و فصل نو
بپیوندید.

[فرم عضویت]

خبرنامه

جهت اطلاع از به روز شدن مجله ایمیل
خود را وارد نمایید .

ارسال

عضویت لغو عضویت



بحث در باره زنان و جایگاه آنان در جامعه بحثی مفصل و گاهی پرچالش است. این بحث گذشته از چند دهه سالی که تحت تاثیر صورت افراطی حمایت (یا به عبارتی جانبداری) از زنان یا فمینیسم قرار گرفته، از گذشته های دور در فرهنگ کتبی و شفاهی ایرانیان وجود داشته است. صحبت از مقام زنان در ادبیات ایران مجال بسیار وسیع طلب میکند که از حوصله این مقال خارج است و در اینجا فقط به گوشه ای از آن اشاره ای می کنم.

حکیم ابولقاسم فردوسی طوسی از بزرگترین و برجسته ترین شعرای جهان شمرده می شود. کتاب وی (شاهنامه) دریای حکمت، معرفت، اخلاق و درس زندگیست. شعر از عناصری است که به وسیله آن میتوان به فرهنگ مردم زمان آن پی برد. شعرا اصولا

انسانهایی نازک دل و متأثر از محیط میباشند که در واقع با سرودن شعر جدای از بروز درونیات خود به بازگویی احوال دوران خویش می پردازند. با بررسی اشعار شعرای متقدم و متأخر در کنار آن بررسی تاریخ ایران، می شود به این مهم دست یافت که ادبیات ایران در تعاملی مستقیم و ارتباطی تنگاتنگ با وضعیت سیاسی و فرهنگی زمانه خود بوده است. البته در این میان نباید و نمیتوان نقش جغرافیا و تاثیر محیط طبیعی را بر شعر نادیده گرفت.

صحت اصلی ما در باره جایگاه و مقام زن در شاهنامه فردوسی است که نشان از نوع فرهنگ و رویکرد جامعه آنروز به مسئله زنان دارد.

فردوسی در جای جای شاهنامه از دلایری ها و هوشیاری زنان، به ویژه زنان ایران، سخن به میان آورده است و آنان را همپای مردان وارد اجتماع نموده، و مقام منزلتی والا به زن بخشیده است، و این گروه از افراد جامعه را از نظر عقل و هوشیاری بسیار زیبا توصیف کرده است:

ز پاکي و از پارسايي زن که هم غمگساراست هم رایزن
و در جايي ديگر:

اگر پارسا باشد و رایزن یکی گنج باشد پراکنده زن

این نشان از بزرگی و عظمتی است که که فردوسی برای زنان قائل است، همان زنی که چون پارسا و پاک بود و دارای عفت و عصمت، از مردان تکاور و وزراء و رهبران هوشمند و مردان خردمند برتر و بالا تر جلوه می کند. یکی از نکات بسیار جالبی که در اشعار حکیم می توان یافت اظهار وفاداری کامل زن است، زن به عنوان موجودی وفادار و فداکار معرفی شده است به گونه ای که در مواردی زیاد وجود خود را فدای مردان نموده تا حفاظت و نگهداری آنان را تضمین نماید .

می سراید:

بدو گفت رای تو ای شیر زن درفشان کند دوده و انجمن
یا:

بدو گفت هرکس که بانو تویی به ایران و چین، پشت و بازو تویی
 نجیناندت کوه آهن زجای یلان را به مردی تویی رهنمای
 زمرد خردمند بیدار تر زدستور داننده هوشیارتر
 همه کهترانیم و فرمان تورااست بدین آرزو، رای وپیمان تورااست

پس زن مورد بحث فردوسی، راهنمای مردان جنگاور است، او می تواند خرد مند تر از مردان باشد، و هوشیار تر از فرمانروایان و زیرکتر از آنان، این است که مردان در برایش زانو میزنند و خود را کمتر از او می دانند، و تصور نمی شود که فردوسی اغراق گوید و همانگونه که رسم سراینندگان حماسه است هر کوچکی را بزرگ جلوه دهد تا بیشتر جلب توجه کند. در تاریخ هم بسیاری از حوادث شیرین و تلخ وجود دارد که در پشت پرده آن حوادث حضور زن یا زنانه خود نمایی میکند.

از دیگر صفاتی که فردوسی از زن ایرانی نقل می کند شرم حیاست:
 بپرسید کا هو کدام است زشت که از ارج دور است و دور از بهشت
 چنین داد پاسخ که زن را که شرم نباشد به گیتته نه آواز نرم
 یا در جای دیگر:

کدام است با ننگ و با سرزنش که باشد ورا هرکسی بد کنش
 زنانه که ایشان ندارند شرم به گفتن ندارند آواز نرم
 و در باب پوشیده روی می آورد:
 هم آواز پوشیده رویان اوی نخواهم که آید ز ایوان به کوی
 یا:

همه روی پوشیدگان را ز مهر پراز خون دل است و ، پراز آب چهر
 همان پاک پوشیده رویان تو که بودند لرزنده بر جان تو
 اما فردوسی بهترین زنان را زنانه می داند که شوهران خود را خشنود کنند و این نکته وجه دیگری است از جایگاه زن در فرهنگ ایران قدیم:

بهین زنان جهان آن بود کز او شوی همواره خندان بود
 یا در جای دیگر:

به سه چیز باشد زنان را بهی که باشند زیبای گاه مهی
 یکی آنکه با شرم و با خواسته است که جفتش بدو خانه آراسته است
 دگر آنکه فرخ پسر زاید او زشوی خجسته بیافزاید او
 سه دیگر که بالا و رویش بود به پوشیدگی نیز مویش بود

البته در اینجا فردوسی نگفته است که اگر تمام زنان از شوهران خود فرخ پسر بزیاند دیگر چه دختری باقی میماند که با پسرشان ازدواج کند. و این نیز وجه دیگری از فرهنگ ایرانی را نشان میدهد که فرزند پسر را برتر از دختر میدانند. ولی فردوسی در جای دیگر در گفته ای متضاد میگوید که پسر و دختر فرقی نمی کند و گویا دچار نوعی دوگانگی شده است:

چو فرزند را باشد آیین و فر گرامی به دل بر چه ماده، چه نر
 یا:

چو ناسفته گوهر سه دخترش بود نبودش پسر، دختر افسرش بود

اما از طرف دیگر از برخی سروده های فردوسی چنین بر میآید که در اجتماع نمیتوان زنی را یافت که طرف مشورت قرار گیرد، لذا شرکت آنان در مسایل اجتماعی لطمه ای جبران ناپذیر برپیکر جامعه وارد می سازد:

همی خواست دیدن در راستی زکار زن آید همی کاستی
 یا:

که پیش زنان راز هرگز مگوی چوگویی سخن باز بابی به کوی
 که نشان از عدم راز داری و عدم توانایی حفظ سخن دارد:
 بدو گفت کز مردم سرفراز نزیب که با زن نشیند به راز
 یا:

دگر بشکنی گردن آن را نگوئی به پیش زنان راز را

به هر حال در شاهنامه فردوسی اشعاری وجود دارد که از زنان تعریف و تمجید کرده و اشعاری نیز وجود دارد که

زنان را موجوداتی پایین تر از مردان نشان داده، صرف نظر از تضاد هایی که در گفتار فردوسی در باره مقام زن وجود دارد ویلاتکلیفی که در خواننده ایجاد می کند می توان به گوشه ای از فرهنگ زمانه فردوسی در باره باورهای مردم در باره زنان دست یافت.

در پایان باز هم بگویم که ادبیات آینه فرهنگ مردم دوران است که با نظر به آن، میشود به لایه های درونی فرهنگ عامه مردم نفوذ کرد.

ماخذ:

1. جاذبه های فکری فردوسی-تالیف:دکتر احمد رنجبر-1363-انتشارات امیر کبیر
2. دریچه ای برکاخ بلند و گزند ناپذیر شاهنامه-تالیف:بدرالدین مدنی-1350-نشر اندیشه
3. از رنگ گل تا رنج خار(شکل شناسی قصه های شاهنامه)-قدمعلی سرامی1378-انتشارات علمی فرهنگی شاهنامه فردوسی(بر اساس چاپ مسکو)-ابولقاسم فردوسی طوسی-چاپ اول1380-نشر کارنامه کتاب

نظرات مربوط به این مطلب (3)

x

	نام:
	ایمیل:
	سایت/وبلاگ:

اطلاعات شما ذخیره شود؟ آری خیر

مطالب مرتبط :

فمینیسم

بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان ایران در دهه های اخیر
زنان و اشتغال

نگرشها نسبت به زنان به عنوان مدیر، هنوز همانطور است
فمینیسم،ایدئولوژی و ساختار شکلی : فمینیسم و پراگماتیسم

RSS 1.0 | RSS 2.0 | RSD | ATOM

تمامی حقوق این سایت متعلق به نشریه الکترونیک فصل نو است. هرگونه اقتباس یا برداشتی بدون ذکر ماخذ مجاز نیست.

دایر شده توسط نگاه نرم